

امام کاظم(ع): همان گونه که قوام جسم، تنها به جان زنده است، قوام دینداری هم تنها به نیت پاک است و نیت پاک، جز با عقل حاصل نمی شود (تحف العقول، ص ۳۹۶)

جلسه سی و سوم درس فقه فناوری های نوین (۱ مهر ۱۳۹۲)

سهم فقه از سبک زندگی اسلامی- ایرانی

(گزارشی از جلسه ۳۳ «فقه فناوری های نوین»)

سبک زندگی در نگاهی کلی به معنای شیوه و نحوه حیات و راه و رسم زندگی کردن یک شخص یا یک جامعه است و رفتارهایی که از ما در طول شبانه روز سر می زند به ویژه اگر تبدیل به یک عادت شده یا استمرار یافته باشند داخل در سبک زندگی هستند.

حوزه فقه یکی از پایه های اصلی سبک زندگی ما را تعیین می کند، چرا که فقه در باب رفتارهای اختیاری انسان بحث می کند. همین رفتارها و انجام کارهای روزانه بخشی از سبک زندگی ما را تشکیل می دهند. البته روش انجام کار هم داخل در سبک زندگی است که آن روش ها نیز خصوصیات و ویژگی های همان رفتارها هستند. مثلاً بخشی از سبک زندگی یک فرد معمولی در دنیای غرب این است که صبحها که از خواب بر می خیزد دست و صورت خود را می شوید و تمیز می شود. ولی سبک زندگی یک مسلمان این است که صبح که از خواب که بر می خیزد علاوه بر آن وضو هم می گیرد که یک عبادت است و پاکیزگی او که صرفاً یک امر جسمانی است با یک حالت نفسانی ممزوج می شود که در روحانیت او نیز تأثیر دارد. هر دو تمیزند ولی تمیزی یکی همراه با نوعی عبادت و تقرب است بخلاف دیگری. زندگی منطبق با فقه اسلامی بخشی کلیدی از سبک زندگی اسلامی است.

عقائد، دیدگاه ها، و حتی امیال انسانها به نوعی رابطه علّی با شیوه زندگی و رفتارهای آنان دارد. یعنی عقائد و افکار و ایده ها در سبک زندگی اثرگذارند از این جهت برخی آنها را نیز داخل سبک زندگی می دانند. ولی شاید بتوان تفسیری از سبک زندگی بدست داد که امثال این امور عقیدتی و فکری را داخل در سبک زندگی ندانیم بلکه آنها را خارج و در عین حال اثرگذار در سبک زندگی بدانیم. عقاید، افکار و ایده ها علت ایجاد سبک زندگی ای خاص هستند، نه بخشی از خود سبک زندگی. یک عقیده، یک میل یا یک ایده ما را به سمت رفتاری خاص سوق می دهد و تنها رفتارهای ما هستند که سبک زندگی ما را شکل می دهند. در باب ارزشها و اخلاق نیز تا حدودی همین طور است.

اخلاق نیز تا جایی که مربوط به اوصاف نفسانی باشد چون حلم و معرفت و رأفت، مثل عقاید در رفتارهای انسان اثرگذارند و با آنها رابطه علّی دارند، ولی اگر اخلاق مربوط به حوزه عمل و رفتار باشد مثل افعال و کارهای شجاعانه یا رفتارهای حلیمانه یا حکیمانه یا سخاوتمندانه آنها نیز داخل در سبک زندگی هستند. در این بخش فقه و اخلاق به یک نحو در سبک زندگی دخیل هستند و بخشی از آن را شکل می دهند. زندگی فقهی و زندگی اخلاقی با یکدیگر هم پوشانی دارند. در عین حال هر یک از فقه و اخلاق از منظر خاصی به سبک زندگی می پردازند یکی از حیث وجوب و حرمت و حلیت و ... و دیگری از حیث خیر و صواب و خطا و ... بودن. به همین دلیل برخی در تعریف سبک زندگی گفته اند نحوه زندگی کردنی که نگرشها (عقائد و ایده ها) و ارزشهای یک شخص یا گروه را نشان و انعکاس می دهد. وقتی الف ب را نشان می دهد یا آن را انعکاس می دهد پس غیر از آن است مثل تابلوی ورود ممنوع که یک قانون را نشان می دهد. پس تابلو دلیل و راهنمایی بر آن قانون است و علت اثباتی آن است.

فناوری، حیات انسانها را در اجتماع کنونی دچار تغییراتی بنیادین کرده است. فناوری بر روی زندگی بشر و سبک زندگی او تأثیرات متقابل مثبت و منفی داشته است. این تأثیرات بسته به مقدار و چگونگی استفاده ما متغیر بوده است. گاهی نیز کاربرد و استفاده ما تعیین کننده نبوده بلکه ما خواسته یا ناخواسته در معرض فناوری قرار گرفته ایم. فناوری در عرصه های مختلف سبک زندگی ما را تغییر داده است از آن جمله می توان به عرصه های کشاورزی، صنعت، جنگ، حمل و نقل، اطلاعات، سلامت و ارتباطات اشاره کرد. فناوری گاهی در عوامل اجتماعی دیگری تأثیر گذاشته که آنها هم بر سبک زندگی ما تأثیر دارند. مثل تولیدات رسانه که در حال حاضر با سهولت بیشتری به دست ما می رسد و خود این امر موجب تغییرات گسترده در سبک زندگی ما شده است. روی هم رفته، فناوری زندگی ما را خیلی آسان تر کرده و سختی های زندگی را کاهش داده است. در عین حال موجب آلودگی بیش از پیش محیط زیست شده و سلامت انواع گیاهی و حیوانی را به خطر انداخته است. در عین

حال با استفاده از فناوری‌های جدید ابزارهای جدیدی برای حفظ محیط زیست و انقراض انواع گیاهی و حیوانی بدست آمده است. فناوری هم سبک زندگی ما را به سلامت نزدیک کرده و هم ما را در معرض امراض قرار داده است. مثلاً با فناوری‌های نوین امکان درمان سنگ کلیه پیشرفته‌تری چشمگیر داشته است که فناوری پیوند از آن جمله است. در عین حال فناوری انسان فعال ایستاده دو قرن پیش را به انسانی نشسته و کم‌تحرك مبدل ساخته و امراضی را برای او به ارمغان آورده است. همه این امور سبک زندگی ما را چنان با دویست سال پیش متفاوت کرده که اگر سفر در زمان ممکن بود هیچ یک از نیاکان ما امروزه زندگی ما را تصور نمی‌کرد و اگر تصور می‌کرد، باور نمی‌کرد و اگر هم باور می‌کرد، تحمل نمی‌کرد. نیاکان ما سبکی کاملاً متفاوت در زندگی داشتند و زندگی امروزه ما برای آنان مقدور و میسر نیست.

تأثیر نهادهای مدنی و سازمانها در سبک زندگی شهری

سازمانهای هزار سال پیش محدود بودند یک دارالاماره بوده با چند نهاد مدنی دیگر مثل یک قاضی برای داوری و یک حکیم برای سلامت و تعدادی عسس یا گزمه که عهده دار امنیت دروازه و نظم شهر بودند. امروز ما با یک قوه مجریه سروکار داریم که وزارتخانه‌های متعددی دارد و در هر کدام از آنها سازمانهای متعددی شکل گرفته و احتمالاً هر یک از آنها بخشی از سبک زندگی ما را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند؛ که قبل از این، چنین محیطی برای این سبک زندگی ممکن و موجود نبوده است. امروز نهادهای مدنی، ملّی و فراملی نیز شکل گرفته و هر یک سبک‌هایی خاص را بر دنیای امروزین ما تحمیل می‌کند. شرکت‌های بیمه و بانک‌ها از نوع نهادهای مدنی ملی و سازمان‌هایی چون فیفا در فوتبال و آی تی یو (سازمان ارتباطات جهانی) از نوع نهادهای بین‌المللی است که سبک زندگی ما را تغییر داده‌اند.

حال باید ببینیم آیا دستورات فقهی و اخلاقی نیاکان ما برای حل مشکلات و معضلاتی که امروز با آن مواجهیم کافی است؟ آداب سفر که پیش از این در کتب فقهی و اخلاقی ما می‌آمده برای امروز ما لازم است، ولی آیا اینها کافی است. یا اندیشمندان امروز ما باید با تطبیق فروع جدید بر اصول پیشین متون اسلامی را واکاوی مجدد کنند تا برای نهادی چون فیفا اخلاق و فقه بنویسند. برای نهادی چون بانک آداب بانکداری بنویسند. برای نهادهایی چون سازمان ملل اصول عدالت را تدوین مجدد کنند و آنها را از فقه ما استخراج کنند. وقتی یک فناوری چون تلفن همراه جدید است و بخش وسیعی از اوقات زندگی‌مان را با تلفن همراه خود بسر می‌بریم، چگونه می‌توان گفت که کتابهای علمای پیشین می‌تواند برای راهنمایی سبک زندگی امروزین ما کافی باشد. آیا ما نیازمند کتابی به نام کتاب ارتباطات در فقه نیستیم؟ وقتی روزانه به طور میانگین يك ساعت و نیم از عمر يك شهروند در ترافیک و آمد و شد با ماشین می‌گذرد، آیا ما نیازمند کتابی یا بابی به نام ترافیک نیستیم. آیا کتابهای پیشینیان کافی است که در دنیای امروز سبک زندگی ما را تعیین کند؟ اگر فروشگاه‌های زنجیره‌ای گسترده‌ای از يك خدمت جدید را برای خرید شهروندان عرضه می‌کنند، آیا فقها می‌توانند آداب التجارة جدیدی در فقه تدوین کنند که دستور عملی برای رفتار فی‌مابین این سازمان‌ها و مشتریان‌شان باشد؟

مثلاً آداب کسب و کار یا آداب تجارت یکی از زیر شاخه‌های کتاب التجارة در فقه است که ریشه در منابع حدیثی دارد. این بحث را می‌توان در دو حوزه تجارت سنتی و تجارت در سازمان‌ها و ساختارهای جدید دنبال کرد. کسب و کار سنتی دارای بساطت بیشتری است و احکام آن نیز همین طور است. در حالی که تجارت جدید از پیچیدگی‌های بیشتری برخوردار است. در کسب و کار سنتی معامله‌ای صورت می‌گیرد که به طور معمول صرفاً دو طرف دارد که معمولاً اشخاصی حقیقی هستند؛ خریدار و فروشنده. در حالی که در کسب و کار جدید مؤسسات اقتصادی فعالیت می‌کنند که شخصیتی حقوقی دارند و درون خود سازمانی را طراحی کرده‌اند که طبقاتی از نیروی انسانی، بنگاه‌های کوچکتر و اجزاء سازمان در آن فعال هستند. زنجیره تأمین کالا مجموعه‌ای از مشاغل را به وجود آورده است که از تولید تا مصرف را پوشش می‌دهد و در درون خود اجزای فراوانی دارد: مدیر، معاونان، ذی‌حساب، مدیر تولید، مدیر فروش، مدیر مالی، مدیر پشتیبانی، انباردار، و اجزای زیر مجموعه ایشان و بخش‌های بسیاری دیگر نام‌هایی هستند که در یک بنگاه اقتصادی وجود دارند و هر بخش آداب و احکام فقهی خود را دارد. بنگاه‌های توزیع کالا یا بنگاه‌های واسطه‌های فروش نیز بخشی از زنجیره تأمین کالا هستند. فروشگاه‌های زنجیره‌ای نیز اینک بخش وسیعی از فعالیت‌های اقتصادی را شکل می‌دهند تا این که در نهایت به مصرف‌کنندگان کالا و خدمات می‌رسیم. در کنار این امور بنگاه‌هایی که ثبت و ضبط مدارک و اسناد انتقالات را برعهده دارند نیز اضافه می‌شوند. امروز نحوه معاملات تحول شگرفی یافته است و حوزه‌هایی چون سیاست‌های دولت و قوانین و مقررات مصوب مجاری قانون‌گذاری در آن تأثیر و تأثر متقابل دارد و از این رو بررسی‌های فقهی جدید در باب آداب تجارت نیاز جوامع جدیدی است.

مثال دیگر در حوزه سازمان، رابطه کارگر و کارفرماست. نزدیکترین بحث به این حوزه مطالبی است که در کتاب الاجاره در فقه بیان شده است. قدمای اصحاب معمولاً وقتی از اجاره بحث می‌کنند مال مستأجره را در سه فرض شایع مطرح می‌کنند اول اجیر کردن انسان دوم اجاره ملک و زمین و سوم اجاره چارپایان که در آن زمان وسیله حمل و نقل بوده است. علامه حلی جمعاً ۳۰ صفحه از کتاب قواعد خود را به بحث از کتاب الاجاره اختصاص داده و در این میان ۵ صفحه به اجیر کردن انسان پرداخته است. عمده مطالبی که در این پنج صفحه به آن پرداخته شده است حاوی عناوینی است از قبیل این که اجاره می‌تواند خاص

یا مشترك باشد؛ می‌تواند فی‌الذمه یا معین باشد؛ در صورت تعیین باید چه اموری را مشخص کند؛ اگر لباس باشد، تعلیم قرآن باشد یا شیردادن باشد هر یک چه احکامی دارند؛ این‌که هنگام شیر دادن چه خصوصیات باید مورد توجه باشد؛ در چه

شرایطی عقد اجاره قابل فسخ است؛ آیا اجاره کنیز یا مدبر یا امّولّد برای شیردادن جایز است یا نه؟ اگر اجیر مریض شود اجاره چه می‌شود و اگر در اثنا خوب شد چه؟ اگر اجاره برای کندن چاه باشد چه مسائلی دارد اگر به صخره‌ای برخورد کرد چه می‌شود. و اگر برای بنائی باشد چه؟ و اگر بنا خراب شود چه؟ اجیر کردن برای تعلیم خط و حساب و آداب جایز است و بر تعلیم فقه بحث است؛ اجاره برای ختنه کردن یا مداوای بیماری و حجامت و سرمه کشیدن و زراعت و درو کردن و آبیاری و حفظ و نقل و قصاص و راهنمایی راه و نگهداری راه و خرید لباسی خاص و سمساری و استخدام؛ یعنی خدمتکاری را برای خدمت بکار گیرد اگر مرد باشد چه و اگر زن باشد حر باشد یا امه باشد چه؟ برخی از اینها امروز هم در روزگار ما مصداق دارند، ولی خیلی از اینها دیگر ربطی به سبک زندگی امروز ما ندارند.

علامه حلی در سال ۷۲۶ قمری یعنی حدود ۷۰۸ سال پیش وفات یافته‌اند. روشن است که با احکام و دستورات فقهی روزگار ایشان نمی‌توان تمام شئون جامعه امروز را مدیریت کرد و سبک زندگی اسلامی متناسب با نیازهای امروز را شکل داد. مرحوم علامه در زمان خودشان علامه بوده‌اند و جزئیات دقیقی از رفتارهایی که در زمان خودشان ظهور و بروز داشته و در سبک زندگی مردم مصادیق فراوانی داشته توضیح داده‌اند بنابراین کتاب قواعد علامه معیار خوبی برای سبک زندگی اسلامی برای مردم زمان خودشان بدست داده است. اما امروز چطور ما می‌توانیم با تکرار همان مطالب سبک زندگی اسلامی امروز را تدوین کنیم و آن را به جوانان خود توصیه کنیم. آیا این کار برای یک فقیه در دوران ما کافی است؟ برای تدوین سبک زندگی ایرانی اسلامی در زمان حاضر نیازمند شناخت زمان خود هستیم. شناخت اموری که در جریانند و سبک زندگی جامعه کنونی ما را شکل می‌دهند.

علامه حلی در سال ۷۲۶ قمری یعنی حدود ۷۰۸ سال پیش وفات یافته‌اند. روشن است که با احکام و دستورات فقهی روزگار ایشان نمی‌توان تمام شئون جامعه امروز را مدیریت کرد و سبک زندگی اسلامی متناسب با نیازهای امروز را شکل داد. مرحوم علامه در زمان خودشان علامه بوده‌اند و جزئیات دقیقی از رفتارهایی که در زمان خودشان ظهور و بروز داشته و در سبک زندگی مردم مصادیق فراوانی داشته توضیح داده‌اند بنابراین کتاب قواعد علامه معیار خوبی برای سبک زندگی اسلامی برای مردم زمان خودشان بدست داده است. اما امروز چطور ما می‌توانیم با تکرار همان مطالب سبک زندگی اسلامی امروز را تدوین کنیم و آن را به جوانان خود توصیه کنیم. آیا این کار برای یک فقیه در دوران ما کافی است؟ برای تدوین سبک زندگی ایرانی اسلامی در زمان حاضر نیازمند شناخت زمان خود هستیم. شناخت اموری که در جریانند و سبک زندگی جامعه کنونی ما را شکل می‌دهند. متون فقهی ۷۰۰ سال پیش گرچه برای تدوین سبک زندگی ایرانی اسلامی امروز ما لازمند ولی کافی نیستند.

مثلاً باید مطالعه کنیم که رابطه اجیر با مستأجر و به تعبیر امروزی رابطه کارگر و کارفرما در یک سازمان امروزی چه مسائلی را شامل می‌شود که فقه‌ای امروز باید بدان پاسخی فقهی دهند تا حضور خود را در سبک زندگی امروز به منصف ظهور برسانند و بتوانند تبیین منسجمی از مسائل فقهی و توصیه‌های الزامی یا استحبی آن ارائه دهند. اینها مسئولیت‌هایی است که آنها را باید به عنوان مسئولیت‌های فقیهانه بشناسیم و بپردازیم.

در همین مثالی که زدیم، صرفاً فهرستی از این مسائل را به شرح زیر می‌توان مدّ نظر قرار داد:

۱. ایجاد فرصتهای برابر برای استخدام
۲. توجه به سلامت کارمندان و مشتریان
۳. توجه به امنیت شغلی کارمندان و مشتریان و مصدومیت هنگام کار
۴. حفظ اطلاعات شخصی کارمندان
۵. طبقه‌بندی و درجه‌بندی کارمندان
۶. مواجهه با ضعف کارمند
۷. ترفیع کارمندان
۸. انتقال کارمندان
۹. حقوق و دستمزد و مزایای کارمندان
۱۰. پیش پرداخت یا تعویق حقوق کارکنان
۱۱. هزینه‌های بدی آب و هوا و هزینه‌های سختی کار
۱۲. بیمه کارمندی
۱۳. ساعات کاری کارکنان
۱۴. ضوابط حضور و غیاب و تعطیلات و حق سفر
۱۵. مرخصی بیماری و مرخصی زایمان
۱۶. حضور هنگام شرایط اضطرار ملی
۱۷. ضوابط و حق مأموریت

۱۸. سن بازنشستگی و بازنشستگی زودهنگام یا اجباری یا پزشکی

۱۹. اخراج

۲۰. آداب مواجهه با مشتری ابلاغی از سوی کارفرما به کارمندان سازمان

۲۱. اختلافات کارمند و کارفرما، سازمان حل و فصل این اختلافات

۲۲. انتخاب کارمند از سازمان رقیب

۲۳. وظایف سهامداران سازمان

۲۴. پرداخت غرامت ضرر و زیان وارده به کالا و خدمات و به کارفرما یا مشتری

در باب هر يك از این عناوین باید توضیحاتی داد تا معلوم شود که کارگران و کارمندان و کارفرمایان سازمان‌های جدید چه پرسش‌هایی از علمای فقه دارند. اینها اموری است که برایشان قانون هم تصویب می‌کنیم در حالی که هیچ راهنمای عمل مدونی اینک برای هیچ يك از مباحث فوق و نیز برای قانون‌گذاران وجود ندارد. عالمان فقه موظفند به مسائل فقهی این موضوعات بپردازند و راهنمای عمل برای زندگی در دوران جدید را در هر يك از این دسته مباحث تدوین کنند. امروز در دنیای غرب شاهد آن هستیم که در تبیین آداب سبک زندگی جدید در حال تدوین انجائی از دستورالعملها هستند تا شهروندان خود را به سمت و سوی يك سبک زندگی لیبرالی هدایت کنند آیا در این حال تکلیفی متوجه دانشمندان اسلامی نیست؟

وظیفه عالمان امروز بسیار دشوار است:

اولین وظیفه آنها این است که گفته‌های پیشینیان را از طرق سنتی درک و فهم کنند تا بتوانند مجهز به دانش اصول فقه و دانش فقه پیشینیان گردند. روش سنت اسلامی را بشناسند تا در مواجهه با موضوعات جدید دچار انحراف از سنت اسلامی نشوند و آرای خود را به دلخواه با محتوای دینی مخلوط و ممزوج نکنند؛ روش درست سنت را هم یاد بگیرند و تعلیم دهند. ولی وظیفه امروز روحانیت به این ختم نمی‌شود. دومین وظیفه آنها این است که باید موضوعات نوین در سبک زندگی جدید را به خوبی فهم و ترسیم کنند تا بتوانند احکام فقهی و ارزشهای اخلاقی آنها را تدوین کنند. این که افراد باید با یکدیگر چه نوع رفتاری داشته باشند با این که افراد باید با سازمانی که در آن کار می‌کنند چه رفتاری داشته باشند کاملاً دو مقوله مجزا و در عین حال مرتبط است. این که آداب تجارت فردی یا اجاره فردی چیست کاملاً مجزای از فهم و تدوین اصولی کاربردی در فقه و اخلاق مدیریت مالی یک سازمان و در عین حال مرتبط با آن است. ما باید علاوه بر بررسی مسائل در کتابهایی که در ۷۰۰ سال پیش نوشته شده، دستورات فقهی و اخلاقی جدیدی را برای اموری چون سازمان‌های جدید و حوزه فناوری‌های جدید تدوین کنیم. اینها نیازمند واکاوی جدید است.

نتیجه‌گیری:

۱- متون فقهی ۷۰۰ سال پیش و دیگر ادوار متقدم فقه، گرچه برای تدوین سبک زندگی ایرانی اسلامی امروز ما لازمند، ولی کافی نیستند.

۲- برای تدوین سبک زندگی ایرانی اسلامی در زمان حاضر نیازمند شناخت زمان خود هستیم. شناخت اموری که در جریانند و سبک زندگی جامعه کنونی ما را شکل می‌دهند.

در حدیث موثق از امام صادق علیه السلام نقل است که:

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ مَنصُورِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ حَافِظًا لِّلِسَانِهِ. (الكافي، ج ۲، ص ۱۱۶)

و همین‌طور در حکمت آل داود است که عاقل باید زمانش را بشناسد و متوجه کارهایش باشد و زبان خود را نگاه دارد.

در حدیث مرفوعی از امام صادق علیه السلام هم آمده است که:

العالم بزمانه لاتهجم عليه اللوابس (الكافي، ج ۱، ص ۲۶)

یعنی کسی که به زمان خویش آگاه باشد شبهات بر او هجوم نیاورند.

فایل صوتی (بشنوید):

10:45 / 52:47

فایل‌های جانبی:

اندازه

پیوست

۵.۶۵ مگابایت

۳۳th.pdf (https://www.shahriari.ir/sites/default/files/uploads/activities/otherfiles/33th_0.pdf)

تصویر:

